



ایجاد حس امنیت در فضاهای شهری

□ سولماز حسینیون

کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری

مقدمه

ارتقاء کیفیت محیط زندگی در شهرها بدون حضور فعال و قوی مردم ممکن نیست. این حضور در فضاهای شهری به ویژه توسط تمام افراد و گروه‌های شهروندان در تمام ساعات شبانه روز، مستلزم احساس امنیت افراد است.

اما تأمین این امنیت تنها به وسیله نیروهای انتظامی عملی نیست. به گفته جین جیکوبز^۱ در کتاب زندگی و مرگ شهرهای آمریکایی، وجود "چشمان ناظر" کسانی که مالکان طبیعی فضای شهری هستند مهم ترین عامل برای مراقبت از فضا و تبدیل آن‌ها به فضاهای امن است.

افزایش حس مکان و احساس تعلق افراد، یک رابطه دو طرفه با احساس امنیت در شهرها دارد. افزایش امنیت در شهرها افزون بر مزایایی چون تقویت هویت، سرزندگی، کارایی و زیبایی فضا،

مزایای اقتصادی دیگر هم دارد. فضاهای امن که مردم در آن حضور قوی دارند برای سرمایه‌گذاری و کسب و کار جذاب تر بوده و در نتیجه از نظر مالی دارای ارزش و تقاضای بیشتری خواهند بود و بالعکس فضاهای نا امن مرده و خطرناک به تدریج و هر روز بیش از روز قبل دافع مردم و سرمایه‌گذاران خواهد بود. این فضاها به تدریج عاری افراد عادی شده و خود هر روز بیش از روز قبل

جاذب فعالیت‌های خلاف شئون اجتماعی خواهد بود. همه‌ی افراد می‌توانند محله‌ها و نواحی در شهرهای خود را به یاد آورند که مردم تنها از روی ناچاری به آن‌ها مراجعه می‌کنند و برای مسؤلان شهرداری و نیروی انتظامی و... همواره مایه‌ی درد سر و گرفتاری هستند.

تأمین امنیت در فضاهای شهری تنها حرکت یک طرفه و از بالا به پایین مقامات محلی نیست، بلکه با افزایش حس مشارکت مردمی و استفاده از تدابیر طراحی شهری برای سهولت مداخله‌ی مردم برای ارتقاء امنیت می‌توان فضاهای امنی در شهرها ایجاد نمود.

آنچه طراح شهری از دیدگاه امنیت می‌تواند انجام دهد تشویق یا عدم تشویق یک سری رفتارهای خاص اجتماعی در فضا است

نیاز به احساس امنیت و امنیت در فضاهای شهری

از نخستین نیازهایی که پس از پاسخ به نیازهای پایه برای انسان مطرح

می‌شود، مسأله نیاز به احساس امنیت است.

دو نوع عمده نیاز امنیت وجود دارد که برای کار طراحی شهری دارای اهمیت هستند:

۱- امنیت فیزیولوژیک: یعنی آزادی از آزارهای جسمی و فیزیکی

۲- امنیت روانی: یعنی داشتن حس مکان و احساس تسلط بر



فضا چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر اجتماعی در یک جامعه. برای مورد اول مردم باید از حیوانات وحشی، حمله‌ی جنایتکاران و انواع حادثه‌های مختلف خانگی، وسایل حمل و نقل و مانند آن احساس امنیت کنند. برای مورد دوم نیز اجتناب از موارد غیر قابل پیش بینی و تحت کنترل بودن شرایط ضرورت دارد. آگاهی نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی و نترسیدن از دیگر مردم و موقعیت‌های اجتماعی از این جمله است.

هر چند نباید تفاوت‌های شخصیتی مردم را در درجات ادراک میزان امنیت محیط از نظر دور داشت، اما از سوی دیگر تأمین امنیت برای همگی اقشار و گروه‌های شهروندان برای افزایش استفاده از فضاهای شهری ضروری است. برای مثال سالخوردگان یا زنان محدودیت بیش تری در استفاده از فضاهای شهری از جمله به دلیل ترس از وقوع حوادث ناگوار و حمله و آزار دارند. در بسیاری از جوامع دنیا اقلیت‌های نژادی و مذهبی مورد حملات و آزار بیش تری از دیگر گروه‌های اجتماع قرار می‌گیرند. بیش تر بحث ایمنی تا امنیت، امنیت در فضاهای شهری جنبه‌های بسیار متنوعی را در بر می‌گیرد. اما موضوع مورد توجه این مقاله، ارتقاء حس امنیت از راه طراحی فضاهای شهری برای حفاظت محیط به دست خود شهروندان است. البته مسأله به هیچ عنوان به معنای نفی وجود پلیس و نیروهای انتظامی نیست، اما می‌تواند به آن‌ها کمک کرده و در ضمن در غیاب آن‌ها موجب

ایجاد امنیت در فضاهای شهری

آنچه طراح شهری از دیدگاه امنیت می‌تواند انجام دهد تشویق یا عدم تشویق یک سری رفتارهای خاص اجتماعی در فضا است. افراد نیاز دارند که خود را متعلق و وابسته به یک کل احساس کنند. از این رو دست یابی به احساس امنیت اجتماعی که با حس آرامش فکری همراه است می‌تواند به برآورده شدن دیگر نیازهای افراد از جمله عزت نفس، احساس تعلق و اعتماد به نفس کمک کند. احساس امنیت دو نوع است، امنیت ساکن و امنیت پویا. امنیت ساکن به معنای کاهش تحرک فردی به حداقل و جدایی از فضاهایی است که احتمال وقوع جرم در آن می‌رود. اما طراح شهری به دنبال ارتقاء کیفیت فضاها از راه تأمین امنیت پویا است که طی آن افراد با حضور در فضاها احساس امنیت می‌کنند. یکی از راه‌های کمک به افراد برای احساس امنیت پویا، ایجاد زمینه‌های لازم برای سهولت تعیین موقعیت و شناسایی جایگاه انسان در فضا است. این کار از راه سهولت جهت یابی و راه یابی در فضاهای شهری میسر است. در این زمینه افزایش قابلیت ادراک فضا چه در مقیاس کلان و چه در مقیاس خرد مطرح است که هر یک نیاز به تدابیر خاص خود دارد.

در مجموع پنج مقوله در تأمین نیازهای امنیت افراد در فضاها مطرح هستند:

۱- اختلاط کاربری‌های سازگار؛

۲- نظارت اجتماعی، بر فضاها در زندگی امروزه؛

معنای واقعی فضای قابل دفاع فضایی است

که در آن میزان جرایم و جنایات به وسیله‌ی

افزایش دامنه دید و حس مالکیت نسبت به

فضا، کاهش می‌یابد

۳- سازوکارهایی برای دست یابی به میزان مناسبی از محریمیت

برای برخی رفتارها؛

۴- دست یابی به خوانایی و جهت یابی در فضا و زمان؛

۵- وجود حس تعلق به مکان اجتماعی و جغرافیایی.

باید توجه داشت که تحقق بخش عمده‌ای از این موارد به

هر چند نباید تفاوت‌های شخصیتی مردم را در درجات ادراک میزان امنیت محیط از نظر دور داشت، اما از سوی دیگر تأمین امنیت برای همگی اقشار و گروه‌های شهروندان برای افزایش استفاده از فضاهای شهری ضروری است. برای مثال سالخوردگان یا زنان محدودیت بیش تری در استفاده از فضاهای شهری از جمله به دلیل ترس از وقوع حوادث ناگوار و حمله و آزار دارند. در بسیاری از جوامع دنیا اقلیت‌های نژادی و مذهبی مورد حملات و آزار بیش تری از دیگر گروه‌های اجتماع قرار می‌گیرند. بیش تر بحث ایمنی تا امنیت، امنیت در فضاهای شهری جنبه‌های بسیار متنوعی را در بر می‌گیرد. اما موضوع مورد توجه این مقاله، ارتقاء حس امنیت از راه طراحی فضاهای شهری برای حفاظت محیط به دست خود شهروندان است. البته مسأله به هیچ عنوان به معنای نفی وجود پلیس و نیروهای انتظامی نیست، اما می‌تواند به آن‌ها کمک کرده و در ضمن در غیاب آن‌ها موجب



افزایش حس تعلق شهروندان به فضا شود. بسیاری اوقات ارتقاء این امنیت به افزایش سرزندگی فضا در ساعات مختلف شبانه روز کمک می‌کند. برای مثال در بسیاری شهرها صاحبان مغازه‌ها از ترس سرقت در ساعات تعطیل ویتترین مغازه‌ها خود را کاملاً مسدود می‌کنند که از زیبایی و سرزندگی خیابان‌های تجاری در اوقات تعطیل به شدت می‌کاهد.

باید توجه داشت که جرایم و اعمال خلاف که در فضاهای شهری صورت می‌گیرند، انواع مختلفی دارند که می‌تواند از تعرضات فیزیکی افراد نسبت به هم تا تهدید اموال مادی و یا تمامیت جسمی و جنسی افراد باشد. استفاده از مواد مخدر و



جهت یابی در فضا و مکان

با به دست آوردن درک درستی از سازماندهی و آرایش فضا، ما احساس تسلط و امنیت بیش تری به محیط زندگی می‌کنیم. با داشتن موقعیت خود از نظر فضایی ما می‌توانیم احساس امنیت بیش تری داشته باشیم. هر چند توانایی افراد مختلف در جهت یابی متفاوت است اما یک میزان نسبی از خوانایی و قابل تصور بودن فضا برای ادراک فضایی ضروری است. طراحی شهری می‌تواند با استفاده از تمهیداتی همچون ایجاد نشانه‌ها و علائم شهری به جغرافیایی و درک بهتر فضا به افراد کمک نماید.

آن چه اهمیت دارد، این است که فضاهای قابل دفاع وابسته به کمک افراد جامعه است؛ بنابراین بدون دخالت دولت نیز می‌تواند به وجود آید و تنها نیاز به آموزش و برانگیختن مشارکت مردمی دارد

دست یابی به امنیت از راه ایجاد حس تعلق به مکان
داشتن حس تعلق به مکان که با موقعیت اجتماعی و نقش اجتماعی همراه است، به برآورده شدن حس هویت کمک کرده و نقش مهمی در برآورده شدن نیازهای روانی افراد دارد. در نتیجه به تسلط افراد بر فضا کمک زیادی می‌کند. ضمن این که با تقویت حس تعلق به مکان، هویت افراد وابسته به این مکان هم ویژگی‌های قدرتمندی می‌یابد که در اعتلاء شخصی فرد و جامعه تأثیر مثبت دارد. در این خصوص طراح شهری می‌تواند با خلق فضاهای شهری خاطره‌انگیز که فرد از حضور در آن‌ها به ارزشی مثبت از فضا دست می‌یابد در ایجاد حس تعلق به مکان نقش نوشهری ایفا می‌نماید.

ایجاد فضای قابل دفاع

نظریه فضای قابل دفاع را برای نخستین بار معماری به نام اسکار نیومن^۲ Oscar Newman (۱۹۷۲) مطرح کرده است و از آن زمان به بعد گروه‌های زیادی به صورت مستقل یا وابسته به نهادهای شهرداری برای به کار بردن اصول آن در سطح شهرها تشکیل شده‌اند.

مفهوم فضای قابل دفاع معانی و تصورات متفاوتی را برای مردم تداعی می‌کند. بعضی مردم تصور می‌کنند که فضای قابل دفاع، به معنای دیوارهای قطور آجری، پنجره‌های میله دار و نرده‌های بلند است که به صورت اجتناب ناپذیری مردم را از فضای شهری جدا می‌کند. اما معنای واقعی فضای قابل دفاع فضایی است که در آن میزان جرایم و جنایات به وسیله‌ی افزایش دامنه دید و حس مالکیت نسبت به فضا، کاهش می‌یابد. زمانی که از فضا به این روش استفاده می‌شود، مردم در آن جامعه احساس امنیت و آرامش می‌کنند و احتمال تعامل‌ها و برخوردهای

کاهش تردیدها و غیر قابل پیش بینی بودن فضا منجر می‌شود.

اختلاط کاربری‌های سازگار

سهم بزرگی از مشکل نا امنی در فضاهای شهری ناشی از



دیدگاه مدرنیستی تقسیم بندی شهر به حوزه‌های کاربری خاص است. عکس العمل طراحان شهری در مقابل این نگرش در سال‌های اخیر، تشویق کاربری‌های مختلط و سازگار بوده است. زیرا زمانی که کاربری‌های ناسازگاری در مجاورت هم قرار می‌گیرد، فضا دارای تنش می‌شود. ایجاد کاربری مختلط سازگار موجب حضور افراد گروه‌های مختلف در یک فضا شده که این خود موجب افزایش نظارت اجتماعی و عدم انحصار فضا برای گروه‌های خاص می‌شود. نتیجه به گفته جین جکوبز، چشمانی است ناظر بر آنچه در فضا رخ می‌دهد.

نظارت اجتماعی

در بسیاری شهرهای دنیا بخش زیادی از بودجه عمومی شهر صرف تقویت پلیس و نیروهای انتظامی و تدابیر امنیتی برای حفاظت فضا است. برای مثال شهر اورگون Oregon در ایالات متحده ۸۰ درصد بودجه شهری خود را صرف ارتقاء حفاظت امنیتی و پاکیزگی شهر می‌کند. در حالی که کمک به افزایش احساس مسؤولیت و نظارت طبیعی به معنای نظارت افراد بر فعالیت‌های روزمره ای است که در فضاهای شهری رخ می‌دهد. در روستاها و شهرهای کوچک این نظارت امری طبیعی و مرسوم است و تمام مردم وقایع را زیر نظر دارند. هر چند نباید این نکته را از نظر دور داشت که بسیاری از مردم این نظارت را به ویژه زمانی که از حدی فراتر می‌رود برای حریم شخصی خود، آزار دهنده و ناخوشایند می‌انگارند. دست یابی به میزان صحیحی از این نظارت برای هر فضا از مهارت‌های طراحان شهری است؛ که بسته به فرهنگ جامعه مورد نظر، موقعیت اجتماعی و حتی رفاه اقتصادی افراد و انواع فعالیت‌ها می‌تواند متفاوت باشد. از سوی دیگر شناسایی توقعات افراد از فضاهای مختلف در مورد مسأله‌ی محرومیت و نظارت نیز از وظایف طراحی شهری هنگام طراحی فضا برای ارتقاء امنیت است.



اما امروزه با استفاده از راهنماهای طراحی و سیاست‌های هدایت کننده می‌توان به خلق جوامعی ایمن تر و سرزنده تر در درازمدت امیدوار بود. دست کم سودی که استفاده از اصول طرح شده‌ی افرادی نظیر اسکار نیومن در نظریه فضای قابل دفاع دارد این است که فضاها را از نظر زیبایی شناسی زیباتر کرده، مداخله افراد را در فضای شهری بالا برده موجب افزایش ادراک شهروندان و کمک به خوانایی شهر نموده و ابهام فضایی را کاهش می‌دهد و با افزایش حس تعلق به مکان و کمک به سازماندهی ادراک آن‌ها از محل زندگی و کار خود می‌تواند به رفع نیازهای فردی و در نتیجه حل مشکلات اجتماعی موجود در شهرها کمک کند.

اجتماعی افزایش می‌یابد که خود باز هم دلیلی برای کاهش جرایم است. روش‌هایی مانند طراحی منظر، استفاده از فضای سبز، روشنایی و نورپردازی و تغییرات کالبدی هدفمند در فضای شهری، فعالیت‌های خرابکارانه و جنایی را کاهش می‌دهد. به طور کلی، فضا می‌بایست حس بوم پایی^۳ Territoriality و احساس مالکیت و تعلق نسبت به محیط زندگی (فضا و عناصر و اشیا درون آن) افزایش دهد. این مفهوم یعنی جلوگیری از جرایم از راه طراحی شهری، شامل ۲ بخش می‌باشد:

۱- فضای قابل دفاع می‌بایست به مردم امکان دیدن و دیده شدن به صورت مداوم را بدهد. این مسأله به طور کامل ترس ساکنان را از بین برده و حس عدم امنیت را از میان می‌برد. چرا که مردم می‌دانند

تأمین امنیت در فضاهای شهری تنها حرکت یک طرفه و از بالا به پایین مقامات محلی نیست، بلکه با افزایش حس مشارکت مردمی و استفاده از تدابیر طراحی شهری برای سهولت مداخله‌ی مردم برای ارتقاء امنیت می‌توان فضاهای امنی در شهرها ایجاد نمود.

آن چه در پی خواهد آمد چند نمونه از سیاست‌های کلی است که در سیاست‌های توسعه شهری کشورهای مختلف برای ارتقاء امنیت محیط به طور عمومی مطرح شده است:

- توصیه می‌شود نماهای طبقه‌ی همکف برای فضاهای تجاری، اداری کاربری‌های فعال و سرزنده مانند مغازه، کافه، رستوران، ورودی بوده و حتی الامکان دارای پنجره و بازوهای باشند که دید از داخل بنا به پیاده رو را برای افزایش امنیت ممکن کند.
- از ایجاد فضاهای رها شده و قطعات خالی زمین در میان فضاهای شهری که مشوق انواع رفتارهای خلاف شئون اجتماعی است پرهیز شود.
- کاربری‌های عمومی می‌بایست رو به فضاهای شهری داشته و با آن‌ها در تعامل باشند.
- فضاهایی مانند زیرگذرها، پارکینگ‌ها، پارک‌ها و زمین‌های بازی می‌بایست قابل رؤیت از فضاهای عمومی باشند و از نور پردازی مناسب برخوردار باشند.
- نورپردازی و پوشش گیاهی می‌بایست در خدمت ارتقاء امنیت فضا بوده و به از میان بردن نقاط مخفی، تاریک و بدون دید کمک کند.
- ترکیب کاربری مسکونی با تجاری (مغازه در طبقه‌ی همکف و مسکونی در طبقات بالا) برای ارتقاء امنیت مفید خواهد بود.
- حتی الامکان فضاهای داخلی فعال منازل مانند آشپزخانه و نشیمن در مجاورت فضای عمومی و با دید به آن طراحی شود.

یک مزاحم بالقوه به راحتی مشاهده شناسایی و دستگیر می‌شود.

۲- مردم می‌بایست مشتاق دخالت، حضور فعال و حتی گزارش فعالیت‌ها از جمله جنایات وقوع یافته در محیط اطرافشان باشند. مردم باید تشویق شوند که کنترل محدوده‌ها را در دست بگیرند و حس مالکیت نسبت به فضا داشته باشند.

زمانی که مردم در همسایگی‌ها و محیط عمومی احساس امنیت کنند، احتمال برقراری ارتباط و حضور در فضای شهری افزایش می‌یابد. از نتایج این موضوع دست یابی به کیفیات محیط شهری از جمله امنیت، آرامش، سرزندگی و تنوع فعالیت‌ها در فضای شهری است، ضمن این که کاهش میزان جرایم و جنایات از مهم ترین دستاوردها برای هر جامعه است.

هر چند فضای قابل دفاع درمان تمام و کمال جرایم و خرابکاری‌هایی که در سطح شهر رخ می‌دهد، نیست. اما زمانی که با دیگر استراتژی‌های دفاعی، پلیسی و انتظامی تلفیق شود، آثار خوبی به جا می‌گذارد و کمک خوبی برای تسریع امور و افزایش کارایی نیروهای انتظامی به شمار می‌رود.

آن چه اهمیت دارد، این است که فضاهای قابل دفاع وابسته به کمک افراد جامعه است؛ بنابراین بدون دخالت دولت نیز می‌تواند به وجود آید و تنها نیاز به آموزش و برانگیختن مشارکت مردمی دارد.

راه حل‌های طراحانه

هر چند تغییر بسیاری از جنبه‌ها و مظاهر موجود در فضاهای شهری امری دشوار و نیازمند صرف هزینه و زمان زیادی است.

فهرست منابع و مآخذ

1. Cisneros. (1995). Defensible Space: Deterring crime and Building Community, HOG
2. Fleissner, D.Heizelmann. (1996). Crime Prevention Trough environmental design and community policing
3. Newman, Oscar (1972). Defensible Space- Crime Prevention through Urban Design. Newyork: Macmillan
4. Newman, Oscar. (2000). Creating Defensible Space, New york
5. Taylor & Harrell (1996). Physical environment & crime, A.V
6. Lang Jon, (1990), Urban Design: An American Experience Van nostrand Reinhold
- ۷- طاهرخانی، حبیب‌الله، (۱۳۸۱). «ایجاد فضای های شهری»، شماره ۹. تهران: سازمان شهرداری های کشور.